

قیاس مشکوک، قضاوت بی دلیل!

همزمان با طرح ازدیاد نیروی نظامی از سوی بارک اوباما رئیس جمهور جدید اضلاع متحده امریکا از هر سو تبلیغات وسیعی علیه این طرح و تجویز براه افتیده و گفته میشود که این اقدام بر تشدید جنگ و بحران در افغانستان و منطقه خواهد افزود. اگر این پندار را بجا بدانیم، منطقاً در صورت عکس آن یعنی اگر از تعداد نیروها کاسته شود باید در وضع جنگ و تلفات کاهش بعمل آید و در صورت خروج کامل نیروهای ناتو و امریکا می باید جنگ و عملیات تروریستی خاتمه یابد. اما این نظر درست و ممکن نیست، البته در صورتی محتمل بنظر میرسد که عامل اصلی و طرف آغاز گر جنگ دولت امریکا و متقینش می بودند، ولی از این جریان همه آگاه اند که سازمان ترور یستی القاعده به رهبری اسامه بن لادن وبا حمایت رژیم طالبان در افغانستان با عملیات ترور یستی خویش در نیویارک، دولت اضلاع متحده امریکا را واداشت که با نیروی هوایی خود و با استفاده از افراد پیاده نظام جبهه شمال، رژیم طالبان را بر اندازد و در پی سرکوب و ریشه کن ساختن گروه های تروریستی همراهی متقین بین المللی خود تا حال در افغانستان بایستند،

لذا کسانی که چنین نا سنجیده و عجولانه تبلیغاتی را به راه می نازند، آگاه و یا نا آگاه در خدمت همان هدف و تبلیغاتی قرار می گیرند که از سوی گروه های بنیادگرای اسلامی و حامیان تروریسم به راه انداخته میشود و اینکه چرا هشت سالها وجود تلفات و خسارات زیادی در افغانستان و پاکستان نتیجه مثبتی بعمل نیامده است، میتوان چند موضوع را در این ارتباط متذکر شد

۱ - اقدامات عملی و دیپلماسی بسیار ضعیف حکومت امریکا در افغانستان و پاکستان بخوبی میرساند که دولت سابق جورج بوش چندان شناخت درست و دقیقی از وضعیت ترور یستها و دولتهای حامی آنها در منطقه نداشته، زیرا پیداست که تصور حکومت بوش از تروریسم صرفاً تحت رهبری سازمان القاعده و در یک بخشی از افغانستان مثل کوه های توره بوره متمرکز بوده و به تصور اینکه هرگاه آنجا را بمباردمان نمایند و رژیم طالبان را سقوط دهند دیگر طالبان و سازمان القاعده شکست خورده، قادر به سازماندهی مجدد و اقدام به عملیات و سیع و دوامدار نخواهند بود.

۲ - دولت اضلاع متحده امریکا به رهبری جورج بوش پس از سقوط رژیم طالبان در افغانستان سهل انگارانه کار پرداختن به تروریسم را در افغانستان و پاکستان تقریباً پایان یافته تلقی نموده، بنا بر خواست دولت اسرائیل به عجله و به بهانه اینکه صدام حسین در عراق سلاح های کشتار جمعی را در اختیار دارد و خطری علیه اسرائیل بحساب میرود، جنگ بسیار خونین، ویرانگر و با صرف صدها میلیارد دلار در عراق را آغاز نمود.

جنگ عراق که بمنابیه مرکز توجه امریکا قرار گرفت قضیه تروریسم و چگونگی دولت افغانستان زیاد از نظر افتاد و این مساله فرصت خوبی را برای طالبان میسر نمود تا به تجدید قوا پرداخته و با استفاده از کمک های همه جانبه حامیان خویش بخصوص اردو پاکستان زمینه را طوری فراهم کنند که روز تا روز به عملیات خود به افغانستان و اخیراً در پاکستان بیفزایند.

۳ - دولت امریکا در مدت هفت سال بجای فشار لازم بر حکومت پاکستان و اقدام به از میان بردن پایگاههای اصلی طالبان و القاعده در خاک پاکستان سالانه یکونیم میلیارد دلار به آنکشور پرداخته و علاوه بر آن هم امریکائی ها و هم بریتانیائی ها به سران اقوام در مناطق قبایل نیز به تادیه پول مبادرت ورزیده اند، به این فکر که شاید آنها را بخود رام و راضی نگهدارند. با این نوع خیالات و باج پرداختن ها توقعات همه با لا رفته و حالا حکومت آصف علی زرداری از دولت امریکا سالانه پنج میلیارد دلار توقع پرداخت دارد.

بدین ترتیب جنگ و مواد مخدر هر دو بیک مساله اقتصادی در منطقه در آمده و کسانی که از این طریق به ثروت اندوزی و یا امرار حیات مصروف اند، خواهان پایان گرفتن جنگ و تامین صلح در منطقه نیستند و گفته آیت الله خمینی جنگ را برکت الهی میدانند.

سه موضوعی که از آن در بالا یاد شد اکتفا کرده از جمع بندی مطالب به این نتیجه میرسیم که دولت امریکا تا کنون در جهت سرکوب و شکست تروریسم در منطقه چه از موضع نظامی و چه از موضع دیپلماسی بدون آگاهی لازم بسیار ضعیف عمل کرده و اگر باز هم بروال گذشته عمل کنند و به تغییر استراتژیکی پرداخته نشود، ادامه جنگ تدریجی و طولانی دولت های سهیم در مبارزه علیه تروریسم را بیشتر از این مایوس و بی زار ساخته به زودی تصمیم خواهند گرفت که خود را از میدان کنارکشند، چنانکه اخیراً صدراعظم دولت انگلیس ضمن اولین دیدار با آقای بارک اوباما در مقام ریاست جمهوری امریکا عدم رضایت خود را از ادامه جنگ در افغانستان بیان داشته و همزمان با

ابراز نظر انگليس وزير خارجه فرانسه آقاي برنارد كوشنير به صرات گفته است كه ما ديگر سرباز به افغانستان نمي فرستيم و تا جانيكه شنیده میشود اکثراً دولت های دیگر سهمیم در مبارزه علیه تروریسم هم بی صبرانه در تلاش اند تا خود را از این جنگ بی سر انجام در افغانستان رهائی بخشند.

بهر صورت ممكن دولت های ديگريتوانند خود را از این جنگ بيرون كشند ولي برای دولت امريكا فرار و رهائی از این جنگ به این زودپها میسر نخواهد بود، مگر اينكه با يك نيروی وسيع و با يك استراتیژی جديد بتواند با زياد نمودن قوا پایگا های تروريستها را از بين برده و هم در نظام پاكستان و افغانستان تحولات مثبتی را بوجود آورده كه دولت های مزكور خود از عهده مبارزه عليه بنياد گرائی مذهبی و تروریسم بدرشده، از كشت و قاچاق مواد مخدر نیز جلو گیری نمایند.

پایان